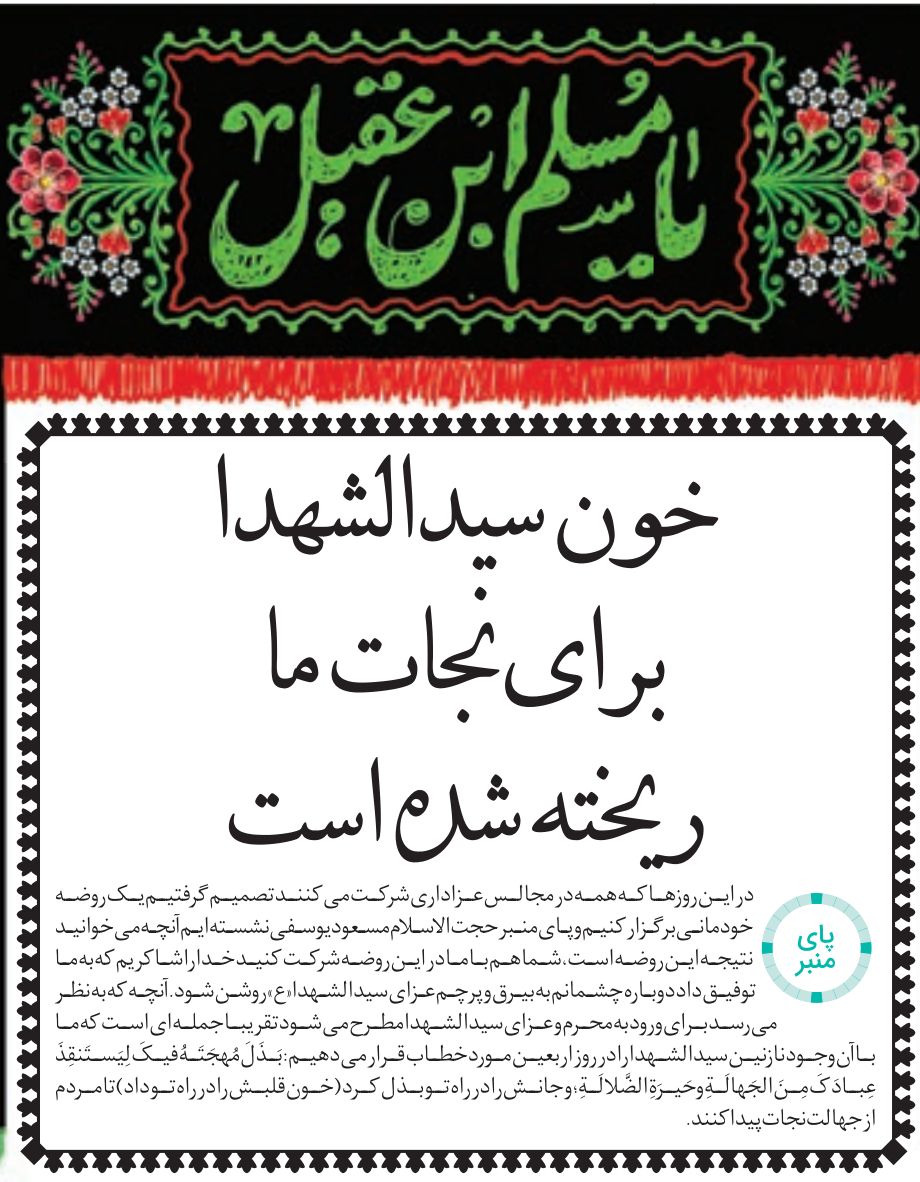




کار ویژه ماه محرم چیست؟

ما باید به کار ویژه محرم نگاه کنیم. چون دوسویه نگاه در عزای سیدالشهدا^(ع) وجود دارد. یکی اینکه ما عزا را برای عزای به پامی کنیم یا اینکه نه عزا را برای تعظیم شعائر... به پامی کنیم، یعنی اینکه بناست یاد پروردگار عالم و یاد انسان در عالم هستی فراموش نشود، چرا این دورادر کنار هم می آوریم. چون قرآن می فرماید هر وقت انسان ها خدا را فراموش می کنند در حقیقت خودشان را فراموش می کنند، یعنی یاد خدا عالم قرین شده به یاد خود انسان. آیا مادر زمان هایی نیستیم که انسان ها حقیقی ترین معرفت عالم هستی که خودشان باشد را فراموش کرده اند؟ آیا ما هر چقدر روی به تمدن جدید برمی داریم، بیشتر متوجه این نکته نیستیم که انسان نیازمند تذکر نسبت به خودش است؟ این بستر را در هستی خدای عالم قرار داده و اسمش را به نام می حضرت سیدالشهدا امین کرده است. چرا؟ چون که اباعبد... الحسین^(ع) ومجموع اهل بیت آیینته تمام نمای خدا در روی زمین هستند و بناست که آن ها ببینند و عقل انسان و فهم او را نسبت به مسائل هستی بیشتر باز کنند. در خطبه یک نهج البلاغه امیر المؤمنین، ع، می فرماید: یکی از کارهای اصلی حضور انبیا در جامعه این است که چون عقل های

انسان ها دفن می شود و فطرت ها در پس امیال و هوس ها دفن می شود، کاری که آن ها انجام می دهند این است که می آیند و به انسان حقیقت خودش را نشان می دهند. انسان گمان می کند در راستای خدمت به آرامش خود قدم برمی دارد، در حالی که هر چه ما جلوتر می رویم، می بینیم انسان آرام نیست. سیدالشهدا^(ع) وجه گمگشته انسان است این آرامش نداشتن انسان در دنیای مدرن خودش یک نکته در خور تأمل است. نشانه هایی وجود دارد مانند: تنهایی انسان در دنیای مدرن یا ابزاری نگاه کردن به انسان در دنیای مدرن که نشان می دهند انسان در این دنیا حالش خوش نیست واز حقیقت خودش دور شده و نیاز به کمک دارد. انسان با این حجم از دانش که در اطرافش است باید از خود بیرسد پس چگونه است که این همه آمار جرم و جنایت بیشتر شده است. این همه آمار طلاق، آمار ازدواج با هم جنس، این ها همه نشان دهند این است که حال دنیا خوب نیست، حالا نکته چیست؟ نکته این است که ما هر چه تأکید بر یادسیدالشهدا و بر محرم داریم، در حقیقت تأکید بر آن وجه گمگشته انسان داریم. هر کسی کودور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش. انسان باید در پی این باشد که چرا این قدر

از اصل خود دور شده است. اکنون چرا این قدر سطح استرس و اضطراب در جامعه به چه دلیل است؟ این میزان از نیاز به روان درمانی از ادوات آرامش بخش که جامعه، خود و دنیا تجربه می کنیم به چه دلیل است؟ شاید بگویید مردمان از این پرسش ها چیست؟ چرا این را می گوئیم؟ چون می خواهیم توجه شما را به تعالیم توصیه شده در محرم جلب کنیم. اینکه ما در این ماه از چه گفت و گو می کنیم؟ اینکه هیئت سیدالشهدا^(ع) برای چه علم می شود؟

● **روضه کارکرد ویژه اش نجات انسان است**
اینجا لازم است که من مبلغ هم به اصل این تعالیم توجه کنم. اصل ما روضه را فقط برای روضه نمی خوانیم. در روایات مکرر آمده است که حتی خون سیدالشهدا هم برای این ریخته شده است که انسان نجات پیدا کند. انسان از جهل های خودش دست بردار و از این زندگی که دارد در آن مدام به خودش ظلم می کند، دست بکشد و در آن تجدید نظر کند. فرموده اند یکی

از وظایف انبیا این است که می آیند این سنگینی بار را از دوش توی انسان برمی دارند. سنگینی که جامعه و اطرافیانمان به ما تحمیل می کنند. مادر میان خوب و بد های دیگران و تعاملات آن ها گم شده ایم و خود حقیقی خودمان را فراموش کرده ایم و نمی دانیم چی بناست ما را آرام کند. آقا سیدالشهدا مرکز توجه به این معرفت هستند که فرمود هر کسی به حسین بن علی، ع، پناهنده شود، این پناهندگی باعث نجات او در عالم خواهد بود.

حجت الاسلام مسعود یوسفی، خطیب و مدرس: انبیا و اولیا آمده اند که بگویند تو از رشدن هستی، ما برای تو هزینه کرده ایم. ۱۲۴ هزار پیامبر خرج توشده است و بناست که تو آن مسیری را طی کنی که حالت خوش باشد

حسین^(ع) نوروی در تاریکی عالم اینکه فرموده اند، ان الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه و نکته با خود به همراه دارد. یک اینکه در باره مصباح می گوید، مصباح یعنی چه؟ چراغی که تاریکی را روشن می کند، آقا سیدالشهدا^(ع) نوری است در تاریکی، حالا پرسش اینجاست که مگر ما داریم در تاریکی زندگی می کنیم؟ این همه کتاب، این همه مقاله، این همه نشریه و... که منتشر شده و می شوند و باز مادر تاریکی هستیم؟! این را ما

باید خودمان قضاوت کنیم. می دانید مادامی که ما دستمان را به نشانه رجوع به خویشتن بالا نیآوریم هیچ توجهی پیدا نمی کنیم. هیچ درمانی برایمان وجود ندارد که شاعر می گوید: طیب نفس مسیحادم است و مشفق لیک / چو درد در تو نبیند که را دوای کند. ما وقتی احساس درد نداشته باشیم، طبیعی است که بهترین طیب عالم هم در کنارمان نبیند، ما نشانه های اشتباه به او می دهیم و چیزی دیگر را می خواهیم. باید پرسش داشته باشیم. امیرالمؤمنین می فرماید از من بپرسید. در اینجا شخصی سؤال خوبی می پرسد از امام علی و می گوید: شما چطور این گونه شدید و حضرت در پاسخ می گویند، مرا قب بودم چه به قلبم رو رو پیدا می کند. در جای دیگری از مراقبت نگاه می گویند و می فرمایند: نگر یستن های تو در عالم اشتباه است. اینجا منظور فقط نگاه به نامحرم نیست. اینکه من چشم به دنبال این است که چه کالایی را استفاده کنم که یک درجه خودم را از دیگری بالا بکشم و برتر باشم. این نگاه مسموم است، ما مراقبت نمی کنیم از ورودی های قلب و روحمان و نگاهمان مسموم است و حالمان خوش نیست.

● **داستان تو چیست آزادی یا بندگی؟**
نکته چیست؟ انبیا و اولیا آمده اند که بگویند تو از رشدن هستی، ما برای تو هزینه کرده ایم. ۱۲۴ هزار پیامبر خرج توشده است و بناست که تو آن مسیری را طی کنی که حالت خوش باشد

۱۲۴ هزار پیامبر خرج توشده است و بناست که تو آن مسیری را طی کنی که حالت خوش باشد. حالت خوب باشد، البته نه با تکیه بر امکانات. اختلافی هست بین آرام بودن و آرامش داشتن. به عنوان مثال کودکی که مادر بالای سرش یک جفجغه گرفته است مادامی که آن جفجغه تکان می خورد آرام است، اما به محض اینکه مادر آن را دور می کند کودک از قبل دلدش بلندتر می شود. آرام بودن به معنای آرامش داشتن نیست و این آرامش با تکیه بر امکانات به دست نمی آیند، چون امکانات روزی هستند و روزی از دست می روند. حال دنیا این را نشان می دهد. این فهم باید شکل بگیرد. آدمی که نقشش در عالم مجهول است، هیچ گاه به سمت خوبی سوق پیدا نمی کند. اصلا سیدالشهدا^(ع) و دیگر انبیا و اولیا آمده اند که ما این را درک کنیم که چرا اصلا باید حرکتی کنیم، در همین مسئله حجاب می گویند اصلا چرا باید حجاب داشته باشیم؟ جدا از موضوع قانون این فهم باید شکل بگیرد و ما باید به این درک برسیم که چرا باید حرکتی کنیم. در یک مناظره موسی بن جعفر، ع، به شافعی این را می گوید: داستان تو چیست آزادی یا بنده ای؟ از اینجا شروع می کند. مصباح بودن همین است. آمده تا این را روشن کند.

ناحیه مقدسه

گام نگار حرکت امام حسین^(ع) از مکه تا کربلا

منزل به منزل همراه با کاروان امام حسین^(ع)



تاریخ را که ورق می زنی تا با پاهای خود به دنبال حقیقت کربلا بروی، خیلی زودتر از روز دهم محرم واقعه عاشورا اشک بی اختیار از چشمانت سرازیر می شود. انگار عاشورا، دهم محرم نیست! گویی از همان روز که امام مکه را به مقصد کوفه ترک کرد، زمان خویش شد و خاک هاسبقت جستند از یکدیگر در فرس شدن بر زیر پای نوه رسول خدا، برای آخرین بار!! او که از خاندانی ظلم نا پذیر بود تا آخرین لحظه بر حق ایستاد و تسلیم ظلم حاکم غصبی زمان نشد. او حاکم وقت سرزمین اسلامی بود تاسی و دو روز بعد ترش...

امام حسین، ع، کاروان یحیرین ريسان حمیری را می بیند که هدا یایی را برای تبریک آغاز حکومت یزید از یرمن به سوی شام می برد. ایشان به عنوان حاکم حکومت اسلامی، مانع ادامه راه کاروان می شوند. به شتر دارانی که شتران شان را برای حمل بار کرایه داده بودند، می فرمایند: هر کدام از شما که دوست داشته باشد تا سرزمین عراق همراه ما بیاید. با او خوش رفتاری کرده، تمام کرایه اش را می پردازیم و هر کدام از شما که بخواهد همین جا از ما جدا شود، به انداز مسافتی که طی کرده است، کرایه اش را می دهیم، برخی از شتر بانان در آنجا یاد دریافت کرایه از امام جدا شده و برخی دیگر همراه امام شدند و افزون بر کرایه شان، خلعتی نیز از امام دریافت کردند. این اتفاق در منزل گاه تنعیم، در روز هشتم ذی الحجه سال ۶۱ قمری مطابق با هجدهم شهریور ماه سال ۵۹ شمسی رخ داده است.

تنعیم، سومین منزل گاهی است که کاروان امام حسین پس از خروج از مکه برای چند ساعت در آنجا ایستاده و استراحت کردند. نام این منطقه از کوه سمت چپش که ناع نام دارد، برگرفته شده است. این منطقه دارای درختان و نخل های متفاوت و آب کافی بوده است. به همین دلیل کاروانیان برای استراحت این مکان را انتخاب کرده بودند.

معین البكاء

صد مرده زنده می شود از ذکر یا حسین^(ع)

روز اول ماه محرم

«اللهم صل علی محمد و آل محمد، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْکَافِیَ الْحَصِیْنِ وَ غِیَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُشْتَکِیْن. حُجَّتُکَ وَ کَلِمَتُکَ الثَّامُوسُ الْاَکْبَرُ، اَللّهُمَّ اَلْمُهْدِیَّ الْمُنْتَظَرُ، اَللّهُمَّ عَجَلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ اجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَ اَوْغانِهِ،

عاشقانت می فروشدن عیش راغم می خردن باز هم شیر حال مادران تأثیر کرد مثل خارخس در این سیل به راه افتاده ایم ماهمادریک ظمفاممحرک یکطرف اشک ما اینجا فقط این قدر قیمت یافته تا تو را داریم. ما در تاریخین عالمیم این طرف گریان شدیم و آن طرف آباد شد گریه بر مظلوم تکوینا تقرب آور است مطمئنا روضه ای یا گریه ای در کار هست عده ای دم می دهند وعده ای دم می زنند گریه کن زهر است، ماتنها سیاهی لشکریم اولین گریه کن مسلم، رسول... بود

فردای قیامت موقع میزان اعمال، می بینند داخل حریر درها و جواهراتی در میزان وارد می شود و سنگینی مضاعفی دارند. وقتی می پرسند این در و جواهرات چیست؟ پاسخ می شوند: اشک بر مصائب ابا عبا... است. امروز عزا دار این روضه های سیدالشهدا^(ع) مادرشان زهرای مرضیه^(س) است، فردای محشر که می شود عین عبارت این است که ندایم آید یا زهر^(س) وارد بهشت شوید. خانم پاسخ می دهند، وارد نمی شوم تا نگویید بعد من باز فرزندم حسین^(ع) چه کردید؟ ندایم آید که دل محشر را نگاه کنید. خانم حضرت زهرا به دل محشر نگاه می اندازند؟ چه می بینند. وای من حسین. پسرشان ابا عبا...^(ع) را ایستاده می بینند در حالی که سر در بدن ندارند. خانم در آن حال ناله سر می دهند. ان شاء... در محشر در آن لحظه که فریاد برمی آورند و بر حسین^(ع) ناله می کنند ما هم با ایشان هم ناله شویم، صدا می زنند: وای حسین...

گرف خلق و گذارد، او وانمی گذارد مولا به کام غرقاب ما را نمی گذارد شیعۀ امام خود را انتهای نمی گذارد بر روی گفته خویش او پانمی گذارد مسکین و دست خالی مولانمی گذارد باید که سوخت ما را زهرانی گذارد

در راه رسیدن به کربلا در یکی از این منازل گردوغبار شد. کاروان یکدیگر را نمی دیدند. وقتی گردوغبار نشست دیدند عمه سادات^(س) انگران خودشان را به محمل ای ابا عبا...^(ع) رساند: حسین جان برای چند لحظه ندیدمت رادر، نگران شدم. یا ابا عبا... حضرت زینب طاقت نیاورد. گردوغبار به صورت شما نشست، بمیرم برای آن ساعتی که آمد با لای تل ز زنبیه ببیند نیزه دار یا نیزه می زند، شمشیردار یا شمشیر می زند. آن کسی هم که شمشیر و نیزه ندارد امن از سنگ پر کرده. عزیز زهرا را مقابل چشمان خواهرش... حسین جان، حسین جان. همین قدر از ما بخردن بسمان است به ابی عبا...!

صد مرده زنده می شود از ذکر یا حسین عیسی اگر در آخر عمرش به عرش رفت

بدم المظلوم و بدما الشهدا، استعجب دعوتنا، ده مرتبه یا الله فرج امام زمان^(ع) تعجیل بقرما یا فرجش قلب نازنین مادرش شاد بگردان. با فرجش ظلم و استکبار از این مرز و بوم دور بگردان، رهبر عزیزمان در پناه امام زمان حفظ بقرما، هر کسی هر حاجتی دارد روا بقرما، عاقبت امور ما را به خیر بگردان، رحمه الله من یقرّ الفاتحه مع الصلوات.

شریعه

فضائل اشک بر سیدالشهدا در حدیث امام صادق^(ع)

اصلا حسین^(ع) جنس غمش فرق می کند...



محرم، همان ماهی است که با شر و عیش بی اختیار بغض گلویت را می فشارد و غم بر روی دلت می نشیند. سیاهی پرده حسین، ع، روی هر دیوار، خودش روضه است. در این ماه، نگار لوزانت به سیاهی ها که می افتد، ناخود آگاه دست بلند می شود و روی سینه ات می نشیند. آهی از دلت بلند می شود، بر لب می نشیند و زمزمه ای جاری می شود: «السلام علیک یا ابا عبا!... الحسین...» این گریه اگر چه بدون روضه و در هر جایی مثل خیابان باشد، نامش گریه ابا عبا... است و هر قطره اش دنیادنیاثواب دارد. امام صادق، ع، درباره گریه برای جدها می فرماید:

«هیچ چشم واشکی نزد خدا محبوب تر از چشم واشکی نیست که برای آن حضرت بگرید و جاری شود و هیچ گریه کننده ای نیست که بر آن حضرت بگرید، مگر آنکه گریه اش به حضرت فاطمه، س، رسیده و آن بانوا و ایاری می کند و نیز گریه اش به پیامبر خدا، ص، رسیده و بدین وسیله حق ما را ادا کرده است و هیچ بنده ای نیست که روز قیامت محشور شود، مگر آنکه چشمانش گریان خواهد بود غیر از گریه کنندگان بر جدم حضرت حسین بن علی، ع، آن هادر حالی که چشمانی روشن و باز دارند، محشور می گردند و آثار سرور و شادی در صورتشان نمایان خواهد بود، زمانی که مردم در ناراحتی هستند، آن ها از هر غمی در امان هستند، مردم پراکنده و پریشان اند، ولی آن هادر زیر عرش و سایه آن به یاد حسین، ع، بوده و در باره شان به گفتن حدیث می پردازند و از ناراحتی های روز حساب هیچ هراسی ندارند.

به آن ها گفته می شود: داخل بهشت شوید، ولی از ورود به بهشت سربازی می زنند و مجلس ذکر حسین، ع، را انتخاب می کنند. فرشتگان و حورالعین به آن ها پیغام می دهند که ما با ولدان مخلص مشتاق شما هستیم، ولی این جماعت از فرونی نشاطی که در مجلسشان دارند، سرشان را بالا نکرده و به آن هانمی نگرند،»